

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

## به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله بیستم)

دیوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، ۲۸ مارچ ۲۰۰۸

## نفوذ زبان "پشتو" در "دری" افغانستان

### آیا زدودن کلمات پشتو از دری امکان دارد؟؟؟

وقتی آخرین مقاله خود را زیر عنوان «سرنوشت کلمات "بیگانه" در زبانها» (۱) به پورتال "افغان جرمن آنلاین" تقدیم کردم، پراگرافی در آن آورده شده بود، که در چوکات آن مقاله بیشتر و عمیقتر کاویده شده نمیتوانست. اینست که همان پراگراف را بیرون آورده، بعد از اندک انکشاف و افزودن نکاتی دگر بر آن، تقدیم حضور خواننده ارجمندش میدارم. این کار را از این خاطر نیز میکنم، که این پراگراف موضوعی کاملاً مستقل را در بر میگیرد، موضوعی که گوئی در دستور روز قرار داده اند. در این ارتباط مگر یک تذکر را لازم میدانم و بر خود فرض میدانم که از دوست عزیزی ذکر خیری بمیان آرم.

روزی با جناب "عارف عزیز" (عارف گذرگاه) (۲) تلفوفی گرم صحبت بودم، که موضوع کلمات پشتوی دخیل در دری بالا گردید و اینکه چرا بعض هموطنان ما با این کلمات عناد میورزند. فرمودند:

«این هموطنان ما هرگز بدین فکر نیامده اند، که در افغانستان چقدر مردم ما نام پشتو دارند، که همه اسمای خاص اند و هیچ کس این اجازه و این حق را ندارد، که اسمای خاص را بزبان دیگر ترجمه نماید...»  
ضمن این مقاله، در کنار نکات دیگر، مفکوره ارزنده آن دوست گرانقدر را نیز پرورش میدهم.

آن پراگراف چنین بود:

«بشکل معترضه یک نکته را در این ارتباط با صراحت هرچه تمام تر، تذکر میدهم:

اکثریت مطلق – تأکید میکنم "اکثریت مطلق" و نه "تمام" – کسانی که بطور مثال در عوض کلمه مأنوس، معلوم و مقبول عام (قبول شده عام) "پوهنتون" میخوانند اصطلاح نامأنوس – و برای اکثریت مطلق مردم ما ناشناخته – "دانشگاه" (۳) را بکار برند، کسانی اند که اصلاً میخوانند کلمات پشتوی دخیل در دری را از دری افغانستان حذف نمایند. واقعیت امر مگر اینست که وجود چنین کلمات در دری ما، در حالی که دری ما را از فارسی ایران و تاجیکی متمایز میگرداند، ممثل و معرف همزیستی و هموائی دو زبان بزرگ افغانستان نیز بوده و در واقع هم آهنگی و همبستگی پشتوزبانان و دری زبانان وطن را میرساند. **کسانی که ملی فکر میکنند و در صدر همه کارها، "وحدت ملی" و "باهمی اقوام افغانستان" برایشان مطرح است، کلمات دری دخیل در پشتو و کلمات پشتوی دخیل در دری را، زیب و زینت و زیور هردو زبان ملی خود می پندارند.** البته این فکر و ذهنیت والا، که نزد همه افغانان ملی اندیش و مردم دوست موجود است، خار چشم کسانی گردیده که

به تحریک بیگانگان طماع و مفتن - تأکید میکنم "به تحریک بیگانگان طماع و مفتن" - ، در پی زدن ریشه های باهمی مردم ما، دست و آستین خود را بر زده اند. من درین کار چنین اشخاص، توطئه آشکارا و هویدائی را می بینم. توطئه با تمام ابعادش جلوه گر میگردد، وقتی آدم می بیند که همین ها - بلی "همین ها" - هزاران کلمه خارجی - از عربی گرفته تا فرنگی و مغولی و هندی و اردو - را روزمره استعمال میکنند و خمی به ابرو نمی آورند، ولی وقتی با چند کلمه پشتو که زبان خود ما و زبان مردم ماست، بر میخورند ، اینطور حساسیت نشان میدهند!!!! بلی؛ این هموطنان منحرف و "از ره رفته" ما وقتی چند کلمه پشتو را در دری می بینند، مثل اینکه جندِ شان بگیرد ، داد و فریاد و علالا و واویلا و ... سر میدهند!!!!

نمیدانم که این هموطنان "پشتو - ستیز" ما با هزاران و صدها هزار و ملیونها هموطن پشتون و غیرپشتون ما که نام و تخلص و لقب پشتو دارند - و این نامها و القاب و تخلص ها روزانه صدها و هزاران بار شنیده میشوند - چه خواهند کرد؟؟؟ در افغانستان نام های زنانه پیکي، تورپیکي، مکي، سپوژمی، هوسی، ورمه، زرخانگه، زرشفت، ستوری، هیلی، پلوشه، گلالی، شاپیری، پیری، ... و نام های مردانه بری، بریالی، توریالی، ننگیالی، زمریالی، زمری (خمری)، زرگی، روکی، شینکی، لمری، لمر، تورن و ... بسیار عامند و نه تنها خود پشتونها، بلکه صدها هزار غیر پشتون هم این نامها را بر دختران و پسران خود میگذارند، آن هم بدون هرگونه اجبار و اکراه و "زور برچه"!!!!!! تخلص هائی از قبیل "خلاند، رشتیا، مین، روغ، زیری، بیسد ..." و القابی مثل "بیو" و "ادی" که بجای "مادر" بکار میروند، هم سر زبانهاست. مگر این هموطنان ما برخیزند و نام و لقب و تخلص خود را از پشتو بگردانند، تا دل زریاب و ناظمی و باختری و نادری و رهین و ... شاد گردد؟؟؟ اگر اینطور است باید رهنورد زریاب برود و اول اول نام خانم خود را از "سپوژمی" به معادل عربی و یا دری و یا ترکی و یا هندی و یا اردو و یا مغولی و یا حتی فرنگی تبدیل کند، **تا داغ نام پشتو هر صبح و شام مشامش را نیاز دارد!!!!** کسانی که بخواهند یک منظر کلی از نام ها در افغانستان بیابند، می توانند به کتاب "گنجینه نام ها در افغانستان" - اثر ارزنده جناب ولی احمد نوری، چاپ ۱۳۸۵، مطبوعه "انجمن فرهنگ افغانستان"، لیموز، فرانسه - رجوع فرمایند. در آنجا خواهند دید که چند درصد مردم ما نامهای پشتو دارند. اگر از تمام مردم خود گپ بزنیم:

اگر کل نفوس افغانستان را ۳۰ میلیون مد نظر بگیریم، و حد اقل چهل درصد نامهای پشتوزبانان و لااقل پنج درصد نامهای غیر پشتونان را "پشتو" فرض نمایم - و این فرضیست کاملاً منصفانه - ، به رقمی بالاتر از **هفت میلیون** نام پشتو بر میخوریم. مگر آیا این **هفت میلیون** هموطن ما که نام پشتو را حمل میکنند، بیابند و بخاطر شادی دل زریاب و ناظمی و باختری و نادری و پوهاند رهین و که و که و که، نام خود را بگردانند؟؟؟ مگر مرحوم سید قاسم رشتیا و مرحوم اسلام خان مین و امثالشان را از گور بخیزانیم، تا نامهای "غیر پشتو" اختیار بکنند؟؟؟ مگر استاد "خلاند" از تخلص زیبای پشتوی خود پشیمان گردیده و آنرا به دری بگرداند؟؟؟ مگر استاد عبدالقیوم "بیسد"، تخلص زیبای خود را از شهرت و آوازه افغانستان شمول خود حذف نماید؟؟؟ من واقعاً منطبق "زبان ستیزان" را درک کرده نمی توانم و نمیدانم که زبان پشتو - بمانند هر زبان دیگر عالم - بحیث آله افهام و تفهیم و بحیث یک پدیده معصوم و بیجان اجتماعی چه گناهی دارد، که زریاب ها و ناظمی ها و باختری ها و نادری ها و رهین ها و صدها پیرو و دنباله رو ناآگاه ایشان، تا این حد با آن عناد می ورزند؟؟؟ من در زمینه بسیار گفته و بسیار داد سخن داده ام و شاید نصف تمام مقالاتم بر این موضوع مکت و تأکید کرده باشد. اگر کسی از هموطنان دلسوز ما و وطندارانی که دلشان به حال و روز یک ملت مظلوم ولی بیحد دوست داشتنی و مغرور و سرفراز، کباب میشود، سری به آرشیف در پورتال "افغان جرمن آنلاین" بزنند، دهها مقاله را درین عرصه می یابند. **من از طریق این مقالات با وطنداران عزیز و "به جان برابر" خود مستقیماً ارتباط قائم کرده و پیامم را برایشان رسانده و باصطلاح شیرین کابلی از گردن خود خلاص میکنم ، دیگر ایشان دانند!!!!!!**

ما در یک کشور کثیرالاقوم زندگانی میکنم که میزبه نه منحصر به فرد آن، وجود زبانها و فرهنگ های مختلف است. ما اگر به فکر تمام مردم خود استیم و همه افراد این خاک پاک را چون مردمک چشم خود عزیز میدانیم و ذره ای تبعیض در نهاد ما سراغ نمیگردد؟؟؟:

- باید بپذیریم، که زبانها و فرهنگ ها در مجاورت بلافصل یکدیگر، از همدگر تأثیر می پذیرند، خصوصاً که طی اعصار و قرون باهم بوده و سرنوشت مشترک و واحدی داشته اند.  
- باید بپذیریم که همه زبان ها و فرهنگ های موجود در افغانستان، مال مشترک همه ما و میراث ارجمند اجداد و نیاکان ما، که جزء غنای مشترک و بزرگ ملی ما بشمار میروند.  
- باید بپذیریم، که هیچ زبان و هیچ فرهنگ موجود در محدوده جغرافیائی افغانستان عزیز، برای باشندگان این سرزمین، به هیچ صورت و از هیچ نگاه، بیگانه بوده نمیتواند!!!!!!  
و "باید بپذیریم" های فراوان دیگر، که خواننده گرامی خود در مخیله خویش فارمول بندی فرماید!!!!!!

و وقتی که چنین است، باید این را نیز قبول کنیم، که داد و گرفت و معامله و مبادله فراوان فرهنگی و زبانی بین اقوام و زبانها، اثرگیری از یکدیگر و اثرگذاری بر یکدیگر، نیز امری کاملاً طبیعی و اجتناب ناپذیر است. با نقل قول از مقاله قبلی و منظری که از آن پیش روی خوانندگان ارجمند گذاشته شد، به ایجاز بُعد و پهناى نفوذ زبان ارجمند پشتو در دری افغانستان لمس شده میتواند. البته میتوان به رویت کتاب ارزنده بالا و خصوصاً با مدنظر گرفتن فکتها و واقعیت های محسوس و ملموس جامعه ما، موضوع را بیشتر شگافت و کنهش را آشکارا ساخت. من مگر این کار را به عهده خواننده بالانصاف می گذارم - از خواننده "بی انصاف" نه توقعی داریم و نی گله ای، که "بی انصافی" خود نافی و منافی "حفگوئی" و ممد و دستیار "دروغگوئی" است - تا خود حقایق و واقعیتهای موجود و عینی جامعه افغانستان را نزد خویش مجسم بسازد. درینجا فقط مختصراً میخوایم بگویم که:

اگر زبان ارجمند و شیرین دری در اعماق اجتماع و مردم ما ریشه دوانده، زبان شیرین و ارجمند پشتو نیز به نحوی از انحاء در رگ و پی و عروق و شرانین مردم ما، نشانه ای از خود بجا گذاشته است. با وجود درک این واقعیت، مگر لازم و ممکن است که به بهانه های واهی و من درآوردی و بی اساس، کلمات "پشتو" را از زبان "دری" بیرون بکشیم؟؟؟

من سعی و تلاش زیریاب و باختری و ناظمی و نادری و رهین ها و اعوان و ظلمه ایشان را در "حذف" و "زدودن" کلمات پشتو از دری، کاری بیهوده و نافرجام میدانم. اینان از چنین سعی و عمل خود نه تنها طرفی نخواهند بست، بلکه خود را منفور جامعه و منفور اکثریت مطلق و واقع بین مردم ما خواهند ساخت. **جای امروز چنین اشخاص "کنج انزوا" و "طاق نسیان" و جای فردایشان "تاریک خانه" تاریخ خواهد بود!!!!**

**درخت گشن و تنومد "همبستگی ملی" که از درآمیزیها و بهم جوش خوردنهای مردم ما بوجود آمده و پیوسته توسط عناصر ملی و وطن پرست افغانستان سیراب می گردد، هرگز از خشکه بادهای نوکران اجنبی گزندی نخواهد دید!!!! مطمئن باشید!!!!**

## توضیحات :

- ۱ - این مقاله اینک در آرشیف بنده در پورال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" با تجدید نظر و اضافات درج گردیده است.
- ۲ - جناب "عارف عزیز" تصدی انتشارات و مطبوعه "بامیان" متعین شهر "الیموژ" فرانسه را، به عهده دارند.
- ۳ - موضوع "دانشگاه" و "پوهنتون" را ضمن مقالات متعددی شگافته ام؛ از جمله در مقالات "ورود کلمان ناباب در زبان دری" و « "دانشگاه" بجای "پوهنتون" ».